درباره تلاش راه کارگر برای نزدیکی به رفرمیستهای ضدانقلابی

راه کارگر، یا راه رفرمیست؟

درتاریخ ۶ ژوئن ۱۹۸۵ ازطرف تشکلهای دانشجوئی هوادار (ازجمله ما) اطلاعیه‌ای انتشار یافت که درآن با اشاره به کوششهای تازه ونقشه‌های طرح ریزی شده جریان توده‌ای ـ اکثریتی درتدارک برای تعرض به مراکز تجمع دانشجویان انقلابی، بدینگونه موضعگیری شده بود:

"ما امضاء کنندگان این اطلاعیه با درک ضرورت مقابله سریع وقاطع با آنها اعتقاد داریم که این جریانات با همکاری مستقیم وغیرمستقیم با رژیم جمهوری اسلامی دربخاک وخون کشیدن پاک باخته ترین و ارزشمندترین انقلابیون میهن مان وسرکوب جنبش توده‌ها به انقلاب خیانت کرده ودرصف ضدانقلاب قرار دارند. بدین علت ما حضور آنها را درمراکز تجمع دانشجویان انقلابی خطری جدی برای جنبش انقلابی ایران می‌دانیم".

قبل از انتشار این اطلاعیه درجلسه مربوط به بررسی وتوافق حول مضمون آن، راه کارگر وانجمن همبستگی* بار دموضعگیری مذکور از امضاء اطلاعیه سرباز زدند. راه کارگر درباره علل این اقدام خود، اعلام داشت که ازنقطه نظر آنها حزب توده واکثریتی‌ها نه تنها درصف ضدانقلاب نیستند، بلکه خیانت آنها نیز مربوط به دوره گذشته وسابق بوده واکنون موضوعیت خود را از دست داده است، بدین جهت نباید خائن قلمداد شوند. راه کارگر درپاسخ به این سئوال نیروهای انقلابی که چرا سه ماه پیش دربرخورد به جناح دیگر اکثریتی‌ها (کشتگر) این جریان را طی اطلاعیه‌ای مشترک ضدانقلابی ارزیابی کرده است؟ عنوان نمود که دراین زمینه "اشتباه" کرده اند ودرنتیجه درحال حاضر با مضمون آن اطلاعیه نیز موافق نیستند.

درحقیقت طرح علنی این "اشتباه" درنوع خود آغازگر یک دگرگونی وتغییر درصف بندی نیروهای انقلابی درعرصه عمل مبارزاتی بحساب می‌آمد هرچند که راه کارگر پیش از این با انکار آن درگفتار توام با فحاشی برعلیه ما بطور عینی بدان ماهیت بخشیده بود. اما این بار او با اعلام این موضوع با یک حرکت زبان درصدد باطل کردن همه آن دستاوردهائی برآمد که فکر وعمل انقلابیون درکوشش برای نفی وطرد تمامی خیانتها وپستی‌ها وافشاء مبانی عقیدتی بانیان "رفرمیسم" درایران در تجاربی چند ده ساله بدان نائل آمده اند.

تجارب گذشته بارها وبارها ثابت کرده است، مواقعی پیش می‌آید که با رشد واعتلای جنبش انقلابی، تشکلهای دانشجوئی خارج ازکشور درتدارک برای تقویت صفوف حامیان انقلاب، ازجانب عوامل بورژوازی بصورگوناگون مورد تعرض جدی قرار می‌گیرند. این تجربیات قویا این مساله را نشان می‌دهد که خائنین به توده‌های مردم درچنین شرایطی با هدف بانحراف کشاندن مبارزات توده‌ها، برای پوشاندن ماهیت واقعی خود با توسل به ابزارهای مختلف و کانال های مطمئن ونزدیک سعی درگسترش نفوذ خود می‌کنند. بدین جهت روشن است که اکنون مبارزه درراه افشاء رژیم جمهوری اسلامی ودفاع ازخواستها ومطالبات توده‌های زحمتکش مردم ایران درراه رهائی اجتماعی از یوغ ستم واستثمار بدون مبارزه با کسانی که می‌کوشند با شکستن مرزبندی‌های بی‌محتوی خود با جریانات ضدانقلابی تمام "قلم وقدم" خود را برای به کجراه کشاندن مسیر مبارزات انقلابی جنبش دانشجوئی بکار گیرند، امکانپذیر نیست.

ازاین رو ما برای بررسی نتایج عملی وخصلت های عمومی این "اشتباه" دررابطه با استدلال‌های تئوریک راه کارگر ونیز تراز بندی تاثیرات وبازتاب آن درجنبش دانشجوئی خارج ازکشور و از این طریق جنبش انقلابی ایران، تخست به آن احکامی استناد می‌جوئیم که بربنیان آن این "اشتباه" یا بعبارتی صحیح تر این تغییر مواضع راه کارگر برای نزدیکی بیشتر با "رفرمیسم" صورت گرفته است. چه این امر بدلیل نتایج عمده حضور و یا عدم حضور جریان توده‌ای ـ اکثریتی (هردوجناح) در مراکز تجمع دانشجویان انقلابی وپاسخگوئی قاطع وروشن به آن ازطرف نیروهای انقلابی هم اکنون اهمیت ویژه‌ای را کسب کرده است.

ما ابتدا ازبیان تئوریک این نزدیکی شروع می‌کنیم تا به عملکردهای چندگانه آن درحوزه سیاست برسیم وبا مقایسه مستند نقطه نظرات این دودرانطباق با احکام نظریه پردازان اصلی آن، ضمن بررسی مضمون ومحتوی "انتقادات" راه کارگر به جریان توده‌ای ـ اکثریتی در دوره اخیر جهت دستیابی به منشاء وسرچشمه آن جدولی را به تشریح عملکردهای "رفرمیسم" اختصاص می‌دهیم وآنگاه به چشم انداز تغییر مواضع راه کارگر ونتایج آن درجنبش دانشجوئی اشاره خواهیم کرد.

امروزهر نیروی انقلابی (مدعی مارکسیسم ـ لنینیسم) براین امر واقف است که مشی سیاسی، استراتژی وتاکتیک هرسازمان وحزبی برمبنای درک آن ازمفهوم عصر و مضمون آن استواراست. بعبارتی دیگر درک ازخصوصیات اصلی اوضاع عمومی، محتوی عصر، نیروی محرکه جهت تکاملی آن یک شرط اساسی وپایه‌ای برای تدوین ایدئولوژی، سیاست، استراتژی وتاکتیک بحساب می‌آید. این بدان علت است که درهرمرحله ازتکامل تاریخی یک شکل بندی (فرماسیون) اقتصادی ـ اجتماعی باید با تحلیل ازتضادهای ذاتی آن دوران نشان داد که کدام طبقه اجتماعی نقش بالندگی، نقش دورانساز

---

* ـ ازآنجائیکه بنیان گذار انجمن همبستگی، راه کارگر است وسیاست حاکم برآن نیز ازطرف راه کارگر رقم می‌خورد لذا دراینجا ازبرخورد به آن اجتناب می‌کنیم. با اشاره به این نکته که بنظر نماینده این انجمن جناح کشتگر درگذشته مرتکب هیچگونه خیانتی نشده است!

وتاریخی را برعهده دارد. وجنبش آن طبقه بمثابه جریان اصلی پیشبرنده ورشدنیروهای مولده وتکامل اجتماعی با قرارگرفتن درراس دوران رسالت دگرگونی های اقتصادی، اجتماعی وسیاسی نظم کهن را بدوش می‌کشد.

اجازه بدهید این مساله را از زبان خروشچف تعقیب کنیم. وی درکنگره ۲۰ حزب کمونیست شوروی براساس تحلیل جدید* از تضادهای بین المللی واوضاع سیاسی جهان و رد ایده‌های اساسی لنینیسم درباره عصر امپریالیسم وعصر انقلابات پرولتری، عصرجدیدی را اعلام نمود که درآن "رقابت دوسیستم" بعنوان ویژگی عمده تکامل جهانی قلمداد می‌شد واظهار داشت که:

"ما مطمئنیم که سوسیالیسم در رقابت با سرمایه‌داری پیروز خواهد شد. ما مطمئنیم که پیروزی در رقابت مسالمت آمیز بدست خواهد آمد نه جنگ"

بدین ترتیب با تغییر مضمون عصر تاریخی به "تبلیغ "تشنج زدائی"، "تخفیف بخشیدن به تنش ها" وادعای اینکه "ما درعصر هماهنگی بین المللی عمومی بسر می‌بریم" برخاست. وبا جایگزین کردن صلح بمثابه مساله محوری عصر بجای انقلابات وجنگهای انقلابی، آغازگر استراتژی وتاکتیک های جدیدی شد که "راه رشد غیرسرمایه‌داری"، "رقابت اقتصادی"، "همزیستی مسالمت آمیز"، "گذار مسالمت آمیز" "دولت عموم خلقی" و... از نتایج آن بودند.

جلسات مشاوره‌ای احزاب کمونیست وکارگری درسال ۱۹۶۰ متعاقب بیانیه صلح ۱۹۵۷، در تداوم همین تجدیدنظردر اصول لنینیسم با تحریف واقعیات عینی اجتماعی وفرایندهای آن طی اعلامیه‌ای مشترک اندکی بدان صراحت بخشید:

"دوران ما، که مضمون عمده آن گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است وبا انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز شده دوران مبارزه بین دونظام متضاد اجتماعی، دوران انقلابات سوسیالیستی وانقلابات رهائی بخش ملی، دوران درهم شکستن امپریالیسم، دوران الغای نظام استعماری، دوران گذار تعداد بیشتری از خلقها به مسیر سوسیالیسم وکمونیسم درمقیاس جهانی است".

در تشریح ویژگی های اصلی دوران اعلام شدکه:

ویژگی اصلی زمان ما این است که نظام جهانی سوسیالیستی بصورت عامل قاطع تکامل جامعه درمی‌آید."

این تجدیدنظردرخصلت عصرکه برمبنای سیاست های پراگماتیستی وسازشکارانه تنظیم می‌شد زمینه بروزجدائی‌ها وانشعابات متعدد وپی درپی درسطح جنبش کمونیستی جهان را فراهم نمود. ۹ سال بعد (در ۱۹۶۹) گردهمائی احزاب کمونیست وکارگری جهان با تحریم تعداد بیشماری از احزاب کمونیست مواجه گردید. مع‌الوصف سند اصلی کنفرانس درتداوم وتکوین همان تئوری با عنوان:

"وظایف مبارزه علیه امپریالیسم ووحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری وکلیه نیروهای ضدامپریالیستی"

انتشار یافت که درآن رسالت دگرگونیهای اجتماعی، اقتصادی درمبارزه برعلیه امپریالیسم نه برعهده پرولتاریای هرکشوردر اتحاد با پرولتاریای جهانی بلکه بردوش نظام سوسیالیستی جهان و در راس آن اتحادشوروی قرار داده شد:

"نیروی تعیین کننده درمبارزه ضدامپریالیستی نظام سوسیالیستی جهانی است، هر مبارزه رهائی بخش از نظام سوسیالیستی جهانی ودرراس آن اتحادشوروی کمکهای ضروری دریافت می‌دارد"

ودرباره چگونگی این اعمال هژمونی درسند مذکور تاکید گردیدکه:

"خدمت نظام سوسیالیستی جهانی به آرمان مشترک نیروهای ضدامپریالیست دردرجه نخست بواسطه توان اقتصادی رشدیابنده آن تعیین می‌شود".

وسرانجام با اعلام وجوه ممتاز ومساله محوری عصر (صلح) وتعیین وظایف استراتژیک وتاکتیکی احزاب تاییدکننده خطاب به تمامی نیروهای اجتماعی از "سازمان های کارگران" تا "رهبران واقع بین کشورهای سرمایه داری" (!) خواسته شدکه:

"برای اقدام هماهنگ درمبارزه ضدامپریالیستی بمنظور کاستن از تشنجات ودفاع از صلح با احزاب کمونیست تشریک مساعی کنند". (تاکیدها از ما)

به برکت چنین "تغییرات ژرف" که مطابق احکام جلسات مشاوره‌ای "عملکرد" جهانی می‌یافت،

---

* ـ هدف اینجا بررسی پیشینه این تجدیدنظرطلبی نیست. چه روشن است که از مدتها پیش اولین نمود آن توسط "براودر"، دبیراول حزب کمونیست آمریکا ومتعاقبا از طرف تیتو دریوگسلاوی وتولیاتی در ایتالیا بروزکرده بود.

تضاد اساسی و انعکاس طبقاتی آن یعنی تضاد کار و سرمایه در عصر امپریالیسم که بر مبنای آن پرولتاریا مضمون عصر کنونی را تعیین می‌کند، تحت الشعاع تعیین‌کنندگی نظام های سوسیالیستی و در راس آن اتحاد شوروی (آنهم بدلیل "توان اقتصادی رشدیابنده آن") قرار گرفت. از آنجا که "رقابت مسالمت آمیز" "سوسیالیسم با سرمایه‌داری" در راستای تحمیل صلح به امپریالیسم وظایف جدیدی را در زمینه ایجاد حد مطلوبی از روابط اقتصادی و دیپلماتیک و... با نظام سوسیالیستی جهان و در راس آن اتحاد شوروی برای "گذار به سوسیالیسم" در کشورهای تحت سلطه طلب می‌کرد، حزب توده بنا به محدودیت حیطه دانش و ماهیت طبقاتی خود برای انطباق مهمترین اصول ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی اش با مبانی تئوریک این اسناد لحظه‌ای درنگ نکرد.

رادمنش دبیر اول حزب توده در اوج تشدید اختلافات اساسی میان احزاب کمونیست جهان، با تعریف و تمجید از "لحن استوار و خونسرد و عمق قضاوتهای" برژنف در ماهنامه شماره ۴۹ مردم (ارگان حزب توده - ۱۳۴۸) از علامیه مذکور بعنوان "یک گام بزرگ تاریخی در راه همپیوستگی جنبش کارگری و کمونیستی جهان" یاد نمود. و در طرح برنامه ۱۳۵۲ در تبیین مبانی و اصول مرامی و تعیین استراتژی و تاکتیک حزب توده، مضمون عصر بدینگونه از اسناد جلسات مشاوره‌ای اقتباس گردید:

- "مضمون اساسی دوران معاصر گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است، تناسب نیروها بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری بسود سوسیالیسم در جریان مبارزه شدید این دو سیستم مستمرا تغییر می‌یابد".
- "تضاد اساسی دوران، تضاد سوسیالیسم و امپریالیسم است که محور مبارزه طبقاتی در عرصه جهانی است".
- "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شالوده‌های، فنی و فرهنگی جامعه کمونیستی را می‌ریزد و نیروی عمده اردوگاه سوسیالیستی است.

و درباره مساله محوری عصر:

- "بتدریج مرحله نوینی از مناسبات بین‌المللی آغاز می‌گردد (!) بدین معنی که علیرغم مساعی این محافل (امپریالیسم) برای حفظ جنگ سرد و خامت اوضاع بین‌المللی، در اثر مساعی پیگیرانه و مبتکرانه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی، صلح جهانی بیش از گذشته راه خویش را به پیش می‌گشاید". (تاکید از ما)

ما اکنون محدوده تئوری را بکلی‌ها ساخته و مستقیما به سراغ حیات سیاسی "رفرمیسم" (بویژه جریان ضدانقلابی توده‌ای - اکثریتی) می‌رویم تا به ببینیم همین تئوری در عرصه وظایف عملی و حرکت - های عینی آن در جامعه‌ای نظیر ایران با ساخت سرمایه‌داری وابسته چگونه به نفی مبارزه طبقاتی و خدمتگزاری به بورژوازی (چه در دوره شاه و چه در رژیم جمهوری اسلامی) و خیانت به انقلاب منجر شده است. چه این مطالب جملگی در ارتباط با استدلال های تئوریک بود و بی‌شک با یستی این تئوری به مرحله عمل درمی‌آمد. برای این منظور بخش کوتاهی را به بررسی واقعیت های عینی و نتایج حاصله از آن با استناد قسمتی از نوشته‌های علنی (غیرعلنی که جای خود دارد) این جریان اختصاص می‌دهیم.

---

* - "حزب ما برآنست که استقرار مجدد آزادیهای مصرح در قانون اساسی کنونی ایران، امکانات بسیار مساعدی برای عموم نیروهای ترقی‌خواه و دمکراتیک ایران فراهم می‌سازد تا برای اتخاذ راه رشد مستقل و دمکراتیک کشور، راه رشد غیرسرمایه‌داری، متفقا بطور موثر مبارزه کنند". (ماهنامه مردم - ارگان مرکزی حزب توده) شماره ۷۲ تیرماه ۱۳۵۰

* - وظیفه میهن پرستان واقع بین و دشمنان واقعی امپریالیسم آن نیست که ایران را از بسط روابط با کشورهای سوسیالیستی باز دارند، بلکه باید بکوشند تا دولت را بیش از پیش در این راه سوق دهند و با استفاده از شرایط مادی مساعدی که کمکهای دوستانه کشورهای سوسیالیستی برای ایران فراهم می‌آورد در راه براندا ختن نهائی سلطه انحصارهای امپریالیستی و تامین استقلال اقتصادی و سیاسی کشور قدم بردارند. (ماهنامه مردم شماره ۶۵ آبان ۴۹)

* - تنها سمت گیری در راه رشد غیرسرمایه‌داری، یعنی پایه‌ریزی اقتصاد مردمی ... می‌تواند تیره بختی‌های حاکم در جامعه کنونی ما را ریشه کن سازد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سنگ بنای بنیادین قابل

---

* - اکثریت چند ماه بعد از انشعاب با اشاره به اختلافات موجود بین اسناد سال ۶۰ و ۶۹ نقطه حرکت خود را برمبنای پذیرش اسناد ۶۹ قرار داد.

توجهی برای یک چنین سمت گیری اقتصادی کار گذاشته است" (پلنوم وسیع ۱۳۶۰)

* - "هواداران واقع بین وروشن بین پیروخط امام ونیروهای سالم و پیروسوسیالیسم علمی...خواستار اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی در تمامی ابعادش هستند (همانجا)

* - "آزادی قلم، بیان، اجتماعات، احزاب، سندیکاها، اتحادیه‌ها و شوراها که قانون اساسی آنها را برسمیت شناخته است از مردم سلب گردیده است (بیانیه مشترک حزب توده و اکثریت اردیبهشت ۱۳۶۴)

* - سازمان ما برای دادن پاسخ مشخص به مسائل کلیدی و اساسی جنبش بیش از پیش باید متحد و یکپارچه در قبال تهاجمات اپورتونیسم چپ و راست اعم از سازمان شکنان "اقلیت" تا حزب پرچم سفید "توده" در رزمگاه دوران سازمبارزات کارگری ..." (اکثریت سال ۵۹)

* - "اکنون که به تاریخ مراجعه می‌کنیم و یک بار دیگر تمام سیری را که جنبش کمونیستی ایران از ۳۲ به بعد طی کرده است مرور می‌کنیم همه آنچه که تاکنون بر ما و حزب گذشته است بروشنی نشان می‌دهد که چرا یگانه راه واقعا انقلابی و درست برای غلبه بر سخت فکری و سازمانی پیشاهنگ طبقه کارگر ایران همان راهی بوده است که رهبری حزب توده ایران از سال ۳۸ به بعد مکررا توصیه کرده است" (اکثریت سال ۶۰)

* - انشعاب دوم رخ داد بخش دیگر سرمایه‌داری بزرگ بازار بوق های مطبوعاتی و با توطئه سرمایه‌داران و مالکینی چون میزان، انقلاب اسلامی، رنجبر و گروههای سیاسی چون، جبهه ملی ..پیکار و...به همراه گروههای فریب خورده هواداران مجاهدین خلق، "اقلیت" و...به انقلاب و رهبری اعلان جنگ دادند. (اکثریت ۶۰)

* - "جوانان در نبرد با توطئه‌های ضدانقلاب و غلبه بر مشکلات انقلاب" (اکثریت)

* - "رهنمودهای امام را در مورد کردستان اجرا نمائید (اکثریت شماره ۱۳۶)

* - "برای اینکه بتوانیم تجاوزات رژیم‌های ارتجاعی منطقه را در هم کوبیم، برای اینکه بتوانیم در برابر توطئه‌ها و فشارهای امپریالیسم مقاومت کنیم و برای اینکه نقشه‌های ضدانقلاب داخلی را نقش بر آب کنیم باید همه با هم متحد باشیم و تشکیل جبهه واحد ضد امپریالیستی، متشکل از تمام نیروهای ضد امپریالیست مناسب ترین شکل این اتحاد است (اکثریت ۵۹)

* - "رعایت کامل اصل ۲۶ قانون اساسی و تثبیت قانونی حقوق سندیکائی کارگران و تصریح آن در قانون کار جدید ضرورت مبرم انقلاب و خواست فوری همه کارگران است (اکثریت شماره ۱۰۸)

* - "سازمان ... (اکثریت) فعالیت مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کند. سازمان ما دامن زدن به فضای تشنج، قهر و نفاق میان نیروهای ضد امپریالیست و دمکراتیک را محکوم می‌کند" (اکثریت ۱۰۸)

* - "اقدامات ضدانقلابی باند قاسملو و دیگر نیروهای ضدانقلابی در کردستان اینک مدتهاست بصورت حلقه‌ای از سلسله توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی، برای نابودی انقلاب مردم ما درآمده است (اکثریت ۱۱۵)

* - "سازمان ما در شرایط حساس کنونی که نبرد جبهه انقلاب در میهن ما وارد مرحله حساسی شده است، وظیفه خود می‌داند که در برابر توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی و در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی با همه توان خود ایستادگی کند". (اکثریت شماره ۱۱۵)

* - "در عین حال که جمهوری اسلامی در قبال هواداران گروههای منحرف باید سیاست ارشادی در پیش گیرد، سرکوب بدون مماشات جریان های سیاسی که کمر به شکست انقلاب خونبار مردم ایران بسته اند و علیه آن مسلحانه دست به جنایت می‌زنند از ارکان دفاع از انقلاب است (اکثریت شماره ۱۲۸)

* - "سومین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی مبارک باد (بهمن ۶۰)

* - "خط مشی سیاسی و اهداف استراتژیک حزب توده ایران و سازمان ... (اکثریت) در شرایط دشوار و فوق العاده بغرنج سالهای پس از انقلاب، با وجود فراز و نشیبها، متوجه تحقق آماجهای مردمی و ضد امپریالیستی و تامین تداوم انقلاب بود. سیاست ما متوجه آن بود تا انقلاب ملی و دمکراتیک بعنوان یک ضرورت تاریخی، پاسخگوی نیازمندیهای کشور برای پیشرفت اجتماعی باشد". (بیانیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده و اکثریت اردیبهشت ۱۳۶۴)

ما طرح مختصروکوتاهی ازتاریخ حیات سیاسی رفرمیسم راارائه‌دادیم،تاریخی که مملو از خیانت ها وارتکاب انواع جرائم درحق دهها هزارانسان انقلابی است ودرنوع خوددرزندگی توده‌های مردم‌تاثیری بس نفرت انگیزبجای گذاشته‌است .این حیات همواره‌وهمه‌جاازموضع منافع قشر فوقانی خرده‌بورژوازی نظیر مهندسین،تکنوکراتها و...وبرپایه‌دفاع آزمنداندازکوره‌سودیعنی ازسهمی که‌از ارزش اضافی به‌آنها می‌رسد،درنقطه‌میانه دوقطب مخالف وآشتی‌ناپذیرکاروسرمایه، از یک طرف برای تخفیف تضادهای طبقاتی وایجادسدی درراه‌کوشش پرولتاریا برای درهم شکستن ارگانهای سرکوب بوروکراتیک ـ نظامی طبقه حاکم وکسب قدرت سیاسی به تعریف وتمجید ازقوانین اساسی رژیمهای سرمایه‌برمی‌خیزد و از طرف دیگر درهمکاری نزدیک با سرمایه‌بنام کمونیسم مسبب تشدید ورطه بی‌انتهائی ازفقرونکبت وبدبختی وجویباری ازخون ومرارت ورنج بشری می‌شود و این امرراه‌را برای یورش بورژوازی به‌اندیشه‌سترگ کمونیسم تسهیل می‌نماید.

باوجودتمام حقایق مذکورآیاراه‌کارگرهنوزهم‌می‌تواندمسالهٔخیانت جریان توده‌ای ـ اکثریتی (هردوجناح) وقرارگرفتن آن درصف ضدانقلاب راانکارکند؟ البته‌این امربرای راه‌کارگرچندان مشکل نیست .تئوری رویزیونیستی ازخلال درک اوازدوران به‌نسبت طرد جریان توده‌ای ـ اکثریتی و کسب اهمیت نقش راه‌کارگر بمرورتاثیربیهوشی‌آور خودرابجای می‌نهد.دراینجالازم‌است آنچه‌راکه گفته شد روشن کنیم، بنابراین هسته‌اصلی استنباط ودرک وخطوط کلی مواضع راه‌کارگررااز‌مضمون دوران با تکیه‌براسنادمعتبرآن یعنی "انترناسیونالیسم پرولتری(درتئوری وعمل)ـ دسامبر۸۲" درمقایسه‌با مطالبی که‌تاکنون بدان پرداخته‌شد.موردبررسی قرارمی‌دهیم:

ـ"دوران ما ،دوران بحران عمومی سرمایه‌داری است وطبقه‌کارگرطبقه‌ای است که‌درمقیاس جهانی درراس حرکت انقلابی تاریخ قرار دارد. این دوران که‌باپیروزی انقلاب اکبتر (یعنی انقلابی که‌برای نخستین باردر بخشی ازجهان طبقه‌کارگررا بقدرت رساند)آغازمی‌گردد ،دوران‌گذارجهانی به‌سوسیالیسم‌است ".

ـ "درگسترش تضاداصلی این دوران (که‌تضادمیان سوسیالیسم‌وامپریالیسم‌است)سوسیالیسم‌هرچه‌بیشترنیرومی‌گیردوامپریالیسم هر چه بیشتر تضعیف می‌گردد..دراین مرحله (مرحله‌سوم یعنی ازنیمه سالهای پنجاه تاکنون ـ ازراه‌کارگر)ازبحران عمومی سرمایه‌داری توازن قوا در مقیاس جهانی به‌نفع نیروهای سوسیالیسم بهم خورده‌است".

در زمینه‌نقش‌کشورهای سوسیالیستی درفرایندجهانی انقلاب:

ـ" نقش‌اردوگاه کشورهای سوسیالیستی درمبارزه‌ضدامپریالیستی در مقیاس جهانی درمیان سه‌جریان اصلی انقلابی جهان،نقش درجه‌اول‌وتعیین کننده‌است".

درموردمساله‌محوری عصرووظایف کمونیستها:

ـ" کمونیستها همیشه‌بایددرصف مقدم مبارزه‌برای صلح باشند و تمام بشریت ترقی خواه‌وهمه‌نیروهای صلح طلب (لابداز"سازمان‌های‌کارگران" تا "رهبران واقع بین کشورهای سرمایه‌داری") راحول این شعار عمومی دمکراتیک علیه‌جنگ افروزی وماجراجوئی امپریالیستی گرد آورند." (تاکیدات ازما)

بررسی ما همینطورکوشیده‌است تا به‌ترتیب با انگشت نهادن برروی نکات اساسی مبانی عقیدتی راه‌کارگر درباره‌مفهوم‌دوران ومضمون آن وجه‌تشابه‌آن را با درک جریان‌ضدانقلابی‌توده‌ای ـ اکثریتی تعقیب‌کند . یگانگی تحلیل از اوضاع سیاسی جهان وتضادهای بین المللی،برداشت مشابه‌از تضاد اصلی ونیروی محرکه وجهت‌تکاملی ومساله‌محوری عصربدون کوچکترین تفاوتی حاکی ازیک اقتباس آگاهانه‌ازاسنادجلسات مشاوره‌ای است .با این تفاوت که‌جریان توده‌ای ـ اکثریتی با اعلام علنی بصراحت به‌آن اذعان داردوآن رابصورت پناهگاهی برای بقاء موجودیت‌خود و نزدیکی به کشورهای سوسیالیستی درمی‌آورد ،اما راه‌کارگر بدون اشاره‌به‌منشاء آن مدافع همان تئوری می‌شود."رفرمیسم ازپیدایش "مرحله‌نوینی ازمناسبات بین المللی" به‌مساله‌محوری عصریعنی صلح می رسد وازبررسی مشخصات اوضاع جهانی وتضادهای اصلی آن (اردوگاه سوسیالیسم باامپریالیسم) نقش‌تعیین کنندگی اردوگاه‌سوسیالیسم (درراس‌آن اتحادشوروی) رااستنتاج می‌کند .درنهایت ازضرورت "اقدام‌هماهنگ درمبارزه ضدامپریالیستی" بمنظور "کاستن تشنجات ودفاع ازصلح"به‌تشکیل "جبهه‌متحدضدامپریالیستی"می‌رسد .راه‌کارگرنیزجزاین کاری نمی‌کند .آنچه‌راکه "رفرمیسم" اردوگاه‌سوسیالیسم"(در راس آن اتحادشوروی)می‌نامد ،راه‌کارگرتنها "اردوگاه‌سوسیالیسم‌ترجمه‌می‌کند .شعارصلح هردونیزکه یکسان است حتی کلمه‌به‌کلمه (تشکیل جبهه‌که‌جای خوددارد)پس علل نزدیکی این دو باید روشن باشد اما تفاوت درکجاست ؟ تفاوت دراین است که‌حزب توده‌با تعیین مشی و وظایف استراتژیکی وتاکتیکی بر بنیان این تئوری واردکارزارسیاسی میشودودرمسیر "راه‌رشدغیرسرمایه‌داری" باارائه‌برنامه مشخص‌تشکیل

"جبهه متحد" را پیش می‌کشد و در زمینه "دفاع از صلح" هر ساله در مراسم نمایشی احزاب اروکمونیست "تشریک مساعی" می‌کند و از این طریق در برخورد به جنگ ایران و عراق به تبلیغ شعار صلح (آنهم برای تحمیل به رژیم جمهوری اسلامی قبلا به صدام) می‌پردازد اما راه کارگر هنوز در عرصه تفکر به سیر و ساحت مشغول است بقول معروف "راه کارگر وظیفه مشخصی برای حرکت خود تعیین نمی‌کند". بنابراین تفاوت در این نیست که چه چیز مطرح است بلکه در این است که تا کجا مطرح است.

آیا این وضعیت می‌تواند بر همین منوال پایدار بماند؟ آیا پروسه تغییر و تحول تابع قانونمندی خاص خود هست یا خیر؟

> "نباید تصور کرد که تمام نمایندگان دمکراسی دکاندار یا مفتون دکاندار ان هستند. اینان می‌توانند از نظر معلومات و موقعیت فردی خویش زمین تا آسمان با آنها تفاوت داشته باشند، عاملی که آنها را بنمایندگی خرده ـ بورژوا بدل می‌سازد اینستکه مغز آنها نمی‌تواند از حدی که خرده بورژوا در زندگی خود قادر به گذشتن از آن نیست فراتر رود و بدین جهت در زمینه تئوریک بهمان مسائل و راه حل هائی می‌رسند که خرده بورژوا بحکم منافع مادی و موقعیت اجتماعی خود در عمل بسوی آنها رانده میشود. بطور کلی رابطه نمایندگان سیاسی و ادبی یک طبقه با خود طبقه اینکه نمایندگی آنرا دارند، نیز برهمین منوال است. (کارل مارکس هیجدهم برومر، ـ لوئی بناپارت)

اکنون به تحلیل "انتقادات" راه کارگر از جزیان توده‌ای ـ اکثریتی می‌رسیم. در اینجا راه کارگر از هر نظر سنگ تمام می‌گذارد. این "انتقادات" در دو مقاله طرح شده است. یکی به "حزب توده" و آن دیگری به "اکثریت". در نقد نظرات حزب توده در شماره ۹ نشریه راه کارگر، پیرامون قانون کار جمهوری اسلامی بویژه درباره نقش کارگران در اداره تولید، با تشریح روند تولید و مبادله و چگونگی تصاحب ارزش اضافی از جانب سرمایه‌دار، در هریک از سیکل‌های تولید، در حقیقت با ارائه یک بحث آکادمیک از راه نرسیده دانش خود را در زمینه اقتصاد سیاسی برخ "حزب توده" می‌کشد. اندوه وی در این است که "چرا حزب" توده به مشارکت بین کارفرما و کارگر می‌اندیشد. اما او تمایلی در به بررسی علل، خاستگاه و گرایش این پدیده نشان نمی‌دهد. در نتیجه این مساله مسکوت می‌ماند که اساسا رفرمیسم اهداف خود را در حد نتایج بلاواسطه یعنی بهبود وضع اقتصادی کارگران و محدود ساختن و تخفیف مرحله به مرحله تضادها قرار می‌دهد. رفرمیسم مایل نیست بگذار د تضادهای طبقاتی سیستم سرمایه داری در یک تحول انقلابی از میان برداشته شود. او خواهان آشتی طبقات است و این موضوع بطور کلی جوهر و هسته فعالیت رفرمیسم را تشکیل می‌دهد و ... بدینگونه راه کارگر پس از شانه خالی کردن از برخورد به ریشه‌های طبقاتی رفرمیسم "حزب توده" بسراغ "اکثریت" می‌رود پس از درج نقل قولی طولانی از تحلیل آن، بچنان حالتی می‌رسد که بناچار پرده ـ ها را کنار زده و چهره حقیقتی خود را آشکار می‌کند. توجه کنید:

> "رهبری اکثریت (بعد از پنج سال عناد و تقلاهای کودنانه و بنا به مثل معروف "پس از خرابی بصره") بالاخره می‌پذیرد که روحانیت حاکم بمثابه یک قشر اجتماعی، منافع و تمایلاتی دارد که هیچ یک از طبقات و اقشار جامعه با آنها توافق کامل ندارند... و همچنین می‌پذیرد که روحانیت حاکم در این زمینه رویهمرفته وحدت داشته است. پذیرش این حقیقت، هرچند که پس از قتل و عام دهها هزار نفر از فعالین جنبش انقلابی و ترقیخواه این کشور صورت می‌گیرد، ولی باز هم گامی است به جلو (!) (راه کارگر شماره ۱۱ بهمن ۶۳ ـ تاکیدات و علامت تعجب از ما)

این بیک معنی "همان چیزی است که ما می‌گفتیم"!

حال این پرسش مطرح است که چه اختلافی در این میان موجود است؟ و چه نصایحی برای تصحیح آن ضروری؟

> "اکثریت کماکان معتقد است روحانیت حاکم هیچگاه روی برنامه وسیاست واحدی برای حل مهمترین مسائل حیاتی کشور وحدت نداشته است" (نقل به معنی ـ همانجا)

حال آنکه:

> "این برنامه دست کم یک هزار پیش از این بی توجه به "مهمترین مسائل حیاتی کشور"، تدوین شده "است (همانجا)

نتیجه اول:

> "پذیرش این حقیقت"، "باز هم گامی است به جلو".

جواب:

> "قدرت دولتی در کشور، عملا به صورت استبداد مطلق و تمرکز کلیه اختیارات

قوای سه‌گانه در دست یک فرد ـ خمینی ـ اعمال می‌گردد. این رژیم یک رژیم تئوکراتیک قرون وسطائی است (یعنی مربوط به "یک هزار پیش از این") اصل "ولایت فقیه"... با حق مردم در تعیین سرنوشت خویش تباین آشکار دارد. (بیانیه مشترک کمیته مرکزی ـ حزب توده و اکثریت ـ اردیبهشت ۱۳۶۴)

نتیجه دوم :

"برخی از سازمانهای مترقی و دمکراتیک درباره سیاست ما، نظراتی داشته اند و دارند. ما هم متقابلا درباره سیاست آنها نظریاتی داریم. در مرحله کنونی منطقا باید به آنچه که ما را متحد می‌کند تکیه کرد و از آن چه که موجب تفرقه است پرهیز جست." (از بیانیه مشترک ـ همانجا)

خلاصه کلام، کمیته مرکزی حزب توده و اکثریت :

"برنامه مشترک زیرین را برای ایجاد جبهه متحد خلق مطرح می‌سازند و در عین حال آمادگی جدی خود را برای توجه و بررسی هر پیشنهاد دیگری در این زمینه اعلام می‌دارند" (همانجا)

جـــواب ؟

راه کارگر یا باید "ائتلاف" مورد پسند رفرمیستهای ضدانقلابی توده‌ای ـ اکثریتی (هر دو جناح) را با جلب "روشنفکران میهن پرست و مترقی ولایه‌هایی از بورژوازی متوسط و کوچک "عملی کند، چونکه هردو در زمینه مضمون این "ائتلاف" نزدیک به هم می‌اندیشند و در ماهیت امر تفاوت چندانی ندارند.

ویا با عقیم ماندن این تلاشها (بدلیل رسوائی و فضاحت حزب توده و اکثریت) رفرمیسم توده‌ای ـ اکثریتی در قالب راه کارگر سر بلند می‌کند.

نتایج هردو جز کشانیدن پای ضدانقلابیون خائن به مراکز تجمع دانشجویان انقلابی نخواهد بود در آنصورت ما همزمان با افشاء رژیم جمهوری اسلامی در افکار بین المللی و دفاع از جنبش انقلابی ایران خط مبارزه و مقابله همه جانبه با آن ها را پیش می‌گیریم. یقین داریم، تمامی نیروهای آگاه و دانشجویان انقلابی که هدف تقویت صفوف حامیان انقلاب و پاسداری از ارزش های انقلابی را دارند در این راه با ما خواهند بود.

انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه

(هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران)

۱۳ ژوئـــن ۱۹۸۵